

گل محمدی: قرعه خوب و بد معنایی ندارد، همه بازی‌های ما فینال هستند

روئیای بزرگی در سر داریم!

۱۰

روزهای عجیب پرسپولیس در پنجره نقل و انتقالات

۱۱

لیست بیست نفره سرخ‌ها پر نمی‌شود؟

۱۲

والیبالیست‌های کشورمان با شکست کوبا گام نخست مسیر المپیک را محکم برداشتند

نبرد با مکزیک در گام دوم



یک جای خالی در فهرست استقلال

آیا استراماچونی با این ستاره‌ها به جام می‌رسد؟

روایت مجازی

سوژه «گاندو۲» جور شد!



نوشین جعفری، عکاس سینما و تئاتر که چند وقت پیش جایزه بهترین عکاس را برای فیلم لانتسوری دریافت کرد، حالا سوژه داغ فضای مجازی شده است. خاتم جعفری البته فقط عکاس سینما و تئاتر نیست و دستی هم بر آتش خبرنگاری دارد و آن طور که کاربران فضای مجازی می‌گویند، خاتم عکاس برای روزنامه اعتماد هم عکاسی می‌کرد. روز گذشته تعدادی از صفحه‌های ضدانقلاب توئیتر اعلام کردند، ادمنین صفحه «بار دبستانی» که در زمینه توهین به مقدسات و براندازی فعالیت می‌کرده، دستگیر شده است. چند ساعت بعد همین صفحه‌ها «نوشین جعفری» را ادمنین این صفحه معرفی کردند. بلافاصله پس از این ماجرا هشتگ #نوشین_جعفری ترند اول توئیتر فارسی شد. کار اما زمانی بالا گرفت که چهره‌هایی مثل «مهناز افشار» هم در حمایت از نوشین جعفری وارد گود شدند. مهناز افشار در توئیتر نوشته است: «برای من همیشه او یک دختر مهربان و عکاس خوب بوده و هست. کاش در این عجله کردن‌ها کمی ترمز کنیم و اوصاف رو هم رعایت کنیم». علی مختارزاده، فعال فضای مجازی هم در پاسخ به مهناز افشار نوشته است: «به هم می‌بینم علاوه بر بازیگری، کارشناس اداره ضدجاسوسی هم هستيد. از این به بعد می‌گیم جاسوس‌ها و هتاکان دو تا شاخ رو سرشون بذارن که از آدم‌های عادی متمایز بشن». کاربر دیگری هم در واکنش به این ماجرا نوشته است: «با توجه به ارتباطاتی که بین برخی سلبریتی‌های سیاست‌باز، خبرنگاران مارکدار و حتی برخی جریان‌های خاص با نوشین جعفری وجود دارد، می‌توان سریال گاندو ۲ را تولید کرد». با اینکه مسئولان هنوز خبر دستگیری نوشین جعفری را تأیید یا تکذیب نکرده‌اند، اما بناوچه به واکنش سایر صفحه‌های برانداز و تصاویر جورواجوری که خاتم جعفری در کنار چهره‌های جنجالی‌ای مثل «مصطفی تاجزاده» از خودش منتشر کرده، بارداشتش خیلی هم بعید به نظر نمی‌رسد.

روزمره‌نگاری

پای خبرنگار وسط است

رقیه توسلی: نخستین تریک را «پنجشنبه» می‌گوید از بس مهربان و حواس‌جمع است. با یک سبد گل بنفش و برچسبی که رویش آورده «خوش خبر باشید»، «شنبه» و «یکشنبه» که چند ساعت بعد دست تکان می‌دهند از دور که: هی عزیزجان، مبارک! باشد مراد. «سه شنبه» اما – مثل یک مافوق شسته رفته – خودش را می‌سازد و به صلابت می‌گوید: همیشه سرباز در دستکاری باش و اسلححات را جایی جا نگذار! حتماً خودت می‌دانی گوش و چشم تاریخی! «چهارشنبه» پیامک اردت و کلی استیکر می‌فرستد. «دوشنبه» هم یادش نمی‌رود خوش‌قلب باشد، پس می‌آید و یک دل سیر از دوشنبه‌های بی‌بار و دوشنبه‌های پُر بار حرف می‌زند. از قلمی که هر ساعت جنگجویان از غلاف بیرون می‌کشند. آخرین روز هفته هم آخرین میهمانی است که تقویم به دست، در خانه‌ام را می‌کوبد. «جمعه» جان تنها نیست. او یاللاه‌گویان وارد می‌شود و پشت بندش لشکر اعتماد به نفس، سرسختی، صبوری، شکست، بی‌خوابی، اشک و بی‌پولی. خانه پر می‌شود. ماندنام که چه بگویم، زیانم بند آمده میان ناگاه‌هایی که سفت و سخت دورام در کرده‌اند. که صدایی ملایم از آن وسط‌ها نجا می‌کند: صاحبخانه! امدادیم سلام و دست‌مریزاد کلمات و جملات را برسانیم به شما. که از شوق و شیفنگی سر به زیر می‌اندازم و دستم می‌آید که انگار هفت روز و هفت خان هفته، امروز هفت دوست شده‌اند! هیچ‌چانه که نفسی تازه می‌کند، سرم را می‌گیرم بالا... خانه گوش تا گوش پر است و حیاط جای سوزن انداختن نیست و لایذ توی کوچه.

برمی‌خیزم... باید میزبان خوبی باشم و به قول «سه‌شنبه» تاریخ کتبی را تمیز و زلال رقم بزنم... پس دوباره مصافحه می‌کنم با تک تک سوژه‌ها، با زبانه‌های عغونی، گراتی، سیل، تعطیلی تولید، کالای داخلی، قلمرو حیوانات، سرعت اینترنت، کیفیت نان، ماشین‌آلات فرسوده راهداری، مالیات و...

نگاهی به پدیده زمین‌خواری در سال‌های اخیر

سیری ناپذیر!



امجد تربت‌زاده! اینکه دقیقاً از چه زمانی و توسط چه کسی، خوردن زمین مُد شد را کسی درست نمی‌داند. فقط این را می‌دانیم که وقتی قرار به زمین خوردن باشد، با چندمعنای متفاوت روبه‌رویم. «زمین خوردن» هایی که طرف، دیگر از جایش بلند نمی‌شود بگیرد تا پدیده‌ای که به «زمین‌خواری» معروف است. این مدل آخری بعید می‌دانم پیشینه تاریخی خاصی داشته باشد و از اسمش معلوم می‌شود از جمله شاهکارها و دسته گل‌هایی است که بشر در همین یکی دو قرن اخیر به پا داده و همچنان هم قرار است بدهد!

یعنی آنچه من و شما به عنوان «زمین‌خواری» می‌شناسیم اگرچه پیشینه و سن و سال زیادی ندارد، اما گویا قرار نیست جوانمرگ شده و از بین برود. به قول اندیشمندان و فلاسفه «زمین‌خواری» هرگز از بین نمی‌رود، بلکه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و از حالتی به حالت دیگر درمی‌آید!

تعریف مبهم زمین‌خواری

برای تعریف «زمین‌خواری» اگر دست به دامن منابعی مثل «ویکی‌پدیا» یا حتی منبع و مرجع معتبرتری بشوید، نتیجه‌اش می‌شود این: «فرایند خریداری یا اجاره قطعات بزرگ زمین توسط شرکت‌های خصوصی و چندملیتی، دولت‌ها و افراد را زمین‌خواری می‌گویند. این تعریف در همان چند کلمه اول داد می‌زند که منظور و مقصودش با آنچه ما در ایران به آن زمین‌خواری می‌گوییم، از زمین تا آسمان فرق می‌کند. تعریف استاندارد تأکید می‌کند هدف پدیده زمین‌خواری این است که مثلاً یک شرکت یا سازمان، زمین‌های بابر یا متعلق به منابع طبیعی را برای استفاده در بخش صنایع کشاورزی، تولید عمده محصولات غذایی یا تولید سوخت‌های زیستی، به شکلی در اختیار می‌گیرد و مال خود می‌کند. تعریف نسخه ایرانی شده زمین‌خواری هم می‌شود این: «تصرف اراضی شامل دولتی و شخصی از سوی اشخاص یا سازمان‌ها را گویند... زمین‌خواران از نفوذ و روابط خود در دستگاه‌های مختلف اداری و یا از خلاهای قانونی سوءاستفاده کرده و گاه با جعل اسناد و مدارک، زمین‌های زیادی را هاپولی می‌کنند!» البته جالب است بدانید که این تعریف، غیررسمی و حتی غیرعلمی و کار ساده‌ها و دست‌اندرکارانش است. یعنی

متأسفانه هنوز کارشناسان و قانون‌گذاران، این پدیده را درست تعریف نکرده‌اند. قسمت بدتر ماجرا هم این است که هنوز هیچ قانونی، چیزی به نام زمین‌خواری یا به عنوان جرم نمی‌شناسد! دلیلش هم این است که در دوران معاصر (مثلاً ۵۰ سال اخیر) به دلیل سوءاستفاده‌ها و کلاهبرداری‌های فراوان، این پدیده مورد شناسایی جدی قرار گرفته و در بدترین حالتش، کلاهبرداری تلقی می‌شود نه یک جرم مستقل که برایش مجازات خاص در نظر گرفته شده باشد.

قانون چه می‌گوید؟

اگر همین امروز درباره زمین‌خواری از مردم و مسئولان نظرسنجی کنید، بدون استثنا همه آن‌ها به ضرورت مبارزه با این پدیده و جرم بودن آن تأکید می‌کنند. با وجود این هم‌رازی و هم‌نظری همگانی، اما پدیده زمین‌خواری در ایران نه تنها از بین نرفته و نمی‌رود بلکه هر سال با شیوه‌های به روز شده و نو ادامه پیدا می‌کند. این در حالی است که اگرچه در قانون از پدیده

زمین‌خواری نام برده نشده، اما ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل بی‌کشی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفر چاه و... در جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، اراضی موت و بایر و سایر اراضی و... مبادرت نماید... یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید، به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود». شیوه‌های زمین‌خواری امروزی در کشور ما گویا آن قدر پیچیده است که نه قانون مجازات سال ۱۳۱۰ و نه ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی هیچ‌کدام حریف آن نمی‌شوند.

ماسه‌خواری!

اینکه از پیچیدگی «زمین‌خواری» در ایران حرف زدیم معنی‌اش این نیست این پدیده، غول شناخدار و یا موجود ناشناخته‌ای است که در شرایط عادی و با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شود. پیچیدگی زمین‌خواری ایرانی، محصول پیچیدگی و ابهام‌های قانونی و همچنین زیرکی و زلی زمین‌خواران امروزی است. بنابراین شما گاه آن را در قالب «جنگل‌خواری» می‌بینید، گاه

مجازآباد

به یاد شهید حججی



کاربران فضای مجازی همزمان با دومین سالگرد شهادت شهید محسن حججی با انتشار هشتگی به نام او، یاد این شهید را گرامی داشتند. یکی از

کاربران در این‌باره نوشته است: «فرازی از وصیت‌نامه شهید حججی خطاب به

فرزندش: بعضی وقت‌ها دل‌کنند از یکسری چیزهای خوب سبب می‌شود یکسری چیزهای بهتر بدست

آید... من از تو و مادرت دل‌کندم تا بتوانم نوکری حضرت زینب(س) را بدست بیاورم».

تحریم نخل و نارنج



پس از انتشار فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های طرح تابستانه کتاب، مشخص شد «نخل و نارنج» نوشته وحید یامین‌پور با ۷۵۰ نسخه فروش در جایگاه سوم قرار گرفته است. از آنجایی که فروش کتاب وحید یامین‌پور از آثار چهره‌هایی مثل نادر ابراهیمی و محمود دولت‌آبادی هم بالاتر بود، شائبه‌هایی در این زمینه ایجاد شد. وحید یامین‌پور در واکنش به حواشی در اینستاگرامش نوشته است: «شدم می‌گویند خرید دولتی و ارگانی! در حالی که خوب می‌دانند تا امروز هیچ ارگانی «هیچ» خریدی از این کتاب نداشته و مجموعه‌هایی مثل باغ کتاب آثار بنده را تحریم کردند و باوجود این تحریم‌ها و بایکوت‌ها اتفاق دیگری رقم خورد و نزدیک به ۵۰ هزار نسخه را «مردم» خریداری کردند».

ما شریک جرمیم



صادق زیباکلام در واکنش به صحبت‌های اخیر خاتمی در توئیتر نوشته بود: «سید مظلوم سراج‌ام پس از سال‌ها انتظار، زبان به مذمت فراکسیون امید و آقای روحانی گشود. ای کاش پیش از پشیمانی گسترده رای‌دهندگان اقدام کرده بودند». حسین دهباشی هم در پاسخ به زیباکلام در توئیتر نوشت: «مظلوم؟ اما مظلوم ظلم خویشان! در گفت‌وگوی خشت خام فرمودید: «ما هرگز نمی‌توانیم دیگران را به عملی تشویق کرده و فردای ناکامی تنها بگوییم ما خودمان هم شاکی هستیم!» حالا حکایت نه فقط آقای خاتمی که من و شماست. راستش این است که ما قربانی نیستیم، شریک جرمیم! صمیمانه جبران کنیم».

نیمه پنهان‌هاشمی



این ویژه‌نامه ۱۹۲ صفحه‌ای نگاهی متفاوت به گفته‌ها و ناگفته‌های زندگی سیاسی هاشمی رفسنجانی انداخته شده است. دوران طلبگی و مبارزه در قم، دوران دفاع مقدس، ریاست جمهوری، دوران اصلاحات، دوره دولت نهم، فتنه ۸۸، دولت اعتدال، برجام و...



روشننگری و آماده‌سازی است و اگر به مخاطب اطلاع داده نشود، نوعی بی‌احترامی به شعور مخاطب است.

برش

اگر قائل باشیم که سریال «بوی باران» سریال نسبتاً پرمخاطبی است، یکی از علت‌های آن این است که چپش سریال‌های تلویزیونی به گونه‌ای است که سریالی بهتر را همزمان با چند سریال ضعیف‌تر پخش می‌کنند تا عمداً آن برنامه پرمخاطب شود

آذین معتقد است: در این سریال ماجراهای فرعی گاهی آن قدر پررنگ می‌شوند که مخاطب، خط اصلی داستان را گم می‌کند. مثلاً بود و نبود قصه زن افغان و ازدواجش با یک مرد ایرانی، ارتباطی با خط اصلی داستان پیدا نمی‌کند و اگر از سریال حذف شود، اتفاقی در ماجرای اصلی قصه رخ نمی‌دهد. نویسندگان خواسته‌اند با وصله و پینه کردن چند ماجرا، سسریال را طولانی‌تر کنند اما حتی نتوانسته‌اند در سرگرم کردن مخاطب هم موفق شوند، نتیجه اینکه این سریال متوسط در سطح متوسط هم نمانده و به سطح ضعیف سقوط می‌کند. با این روندی که سریال طی می‌کند نمی‌تواند امتیاز مناسبی در کارنامه سازندگانش ثبت کند.

وی با بیان اینکه سریال بوی بارن، اثری ارزشمند و ماندگاری در پرونده سریال‌سازی تلویزیون نیست، خاطرنشان می‌کند: فیلم‌نامه این مجموعه تلویزیونی بسیار آشفته، غیرمنسجم و ضعیف است. شخصیت‌پردازی‌ها کامل و درست نیستند و کارگردانی حرفه‌ای و درستی صورت نگرفته که دل بیننده را برای این خوش باشد که سریال با تصویرسازی‌های خوب دارای جذابیت‌های ویژه‌ای است. وی یادآور می‌شود: بعد از دو یا سه قسمت از پخش، به یکباره نام سریال بدون هیچ توضیحی عوض می‌شود که امتیازی منفی برای آن است. اگر قرار است که نام سریال عوض شود نیازمند نمایش داده نشده است.

به گفته آذین، منتقد سینما و تلویزیون، شوهر ترانه خیلی بی‌منطق و زود اتفاق می‌افتد و ترانه وارد ماجراهای دیگری می‌شود، سریال اگر به همین شکل بی‌منطق پیش برود همین تعداد مخاطبش را هم از دست خواهد داد.

وی تأکید می‌کند: لازم است که برای نگارش و ساخت چنین ملودرام‌هایی پیش از هر چیز، پژوهش و تحقیق مناسب صورت بگیرد و اگر قرار است برای جذب مخاطب از موضوعاتی همچون پولوشی، قاچاق و قتل استفاده شود باید منطق روایی درستی بر داستان حاکم باشد.



ایبنا: به تازگی محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر معاصر، مجموعه‌ای شامل گزیده رباعیات بیدل تهیه و تدوین کرده است. نویسنده «گزیده رباعیات بیدل» با بیان اینکه بیدل در قالب رباعی یکی از سرآمدان است، گفت: خیلی از رباعیات بیدل، کلیدها یا پلی‌هایی برای آشنایی با کلیت شعر بیدل هستند. یعنی خیلی از ابیات، غزل‌ها و قصیده‌های بیدل به کمک رباعی‌های او بهتر قابل فهم می‌شوند؛ بنابراین می‌توانیم رباعی را پلی برای آشنایی با شعر بیدل بدانیم و بسیاری از افراد می‌توانند برای آشنا شدن با شعر بیدل و انس بیشتر با شعر او، به جای رباعیات از رباعیات او شروع کنند.

وی افزود: ویژگی اساسی رباعیات بیدل این است که رباعیات بیدل حتی به نسبت غزلیات خود او و به نسبت شعر دیگر شاعران بنام، از لحاظ موضوع، محتوا، سبک و حال‌وهوا، یک تنوع قابل توجه دارد، یعنی بیشتر غزلیات بیدل عاشقانه و عارفانه است و مسائل اجتماعی، محیط و زندگی شاعر خیلی در غزلیات انعکاس ندارد. ولی در رباعیات ما جوانب مختلف زندگی بیدل را بیشتر حس می‌کنیم و در عین حال رباعیات او یک تنوع محتوایی دارد که در غزلیاتش شاید به این پیمانه نباشد.



آخرین نسل شاعران جدی خواهد بود. شاعر جدی، وی با اشاره به تأثیرگذاری مخرب رسانه‌های ارتباطاتی جدید بر فضای شعر امروز گفت: توان اصلاح این آسیب‌ها را نداریم و باید اعتراف کنیم که در سرائیشی قرار گرفته‌ایم و فقط می‌توانیم تماشاگران یک دوره تاریخی باشیم که در آن شاهد فروپاشی شعر اصل بودیم و نتوانستیم کاری بکنیم. البته این جریان طبیعی است و سیر طبیعی خود را طی می‌کند.

مؤلف دوره سه جلدی «زبان شعر امروز» با بیان اینکه فناوری‌های جدید بر فرم و مضمون شعر اثر گذار خواهند بود، اضافه کرد: در آینده شعر یقیناً کوتاه‌تر خواهد شد. شعر کوتاه و رماتیک و با مضمون‌هایی درباره اتفاقات روزمره مقبول‌تر خواهد شد. همچنین تجربه‌های فرمی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در شعر ما از بین می‌رود؛ چرا که شعر در فضای مجازی اغلب چپش سطری‌اش از دست می‌رود و بازی‌های سطری اندک اندک محو می‌شود. شعر

به سمث یادداشت و دلنوشته پیش می‌رود و فکر می‌کنم فضای مجازی موجب می‌شود نسل شاعران جدی از بین برود و نسل فعلی

آخرین نسل شاعران جدی خواهد بود. شاعر جدی، شاعری است که به دنبال به دست آوردن مخاطب موفق نباشد و به خود شعر فکر کند و نه به خواننده شعر، اما در این فضا کسانی که هوش بیشتری برای دیده شدن دارند اتفاقاً به رصد کردن مخاطبان نمی‌فهمند و همه چیز به مسابفاهی برای کسب بیشترین مخاطب تبدیل شده است.

شاعر مجموعه «قش‌گاز در شب تنهایی» با اشاره به این نظر که گروهی می‌گویند شعر فارسی که از حمله مغول جان به بر درد، پس خواهد توانست از این فضا هم جان به برد، دید: ولی من معتقدم شعر که از این فضا ر می‌شود، دیگر شعر قبل از آن نخواهد بود. چیزی به عنوان شعر خواجهیم داشت ولی تعریفی که قبلاً درباره شعر داشتیم، بر

منطق روایی مشخص و وحدت موضوعی هم ندارد. مخاطب هر چیزی را در این سریال می‌بیند در حالی که هیچ خط داستانی هم وجود ندارد، گویی نویسندگان فهرستی از موضوعات جذاب و مورد علاقه مردم را به چند فیلم‌نامه‌نویس داده‌اند تا براساس آن قصه بنویسند. در این سریال به تقلید از آثار خارجی، صحنه‌های مشمئزکننده قطع کردن انگشت دست و پا و مواردی از این دست را می‌بینیم. ضمن اینکه عنوان سریال، هیچ تناسبی با قصه و محتوای آن ندارد.

استادی یادآور می‌شود: در دهه ۸۰، سریال‌ها به لحاظ محتوایی بارها و بارها در شوراها چکش می‌خورد تا پیام و محتوای عرضه شده، تأثیر مثبتی در جامعه بگذارد اما به نظر این فیلتر اکنون حذف شده و آنچه امروز در قالب تلویزیون می‌بینیم معجونی از همه چیز و در عین حال هیچ چیز است.

این منتقد درباره ضرورت گره گشایی منطقی در سریال‌های ایرانی می‌گوید: اساساً این نکته مفهومی در تولیدات جدید سیمیا ندارد. منطق سریال‌های تلویزیونی این است که حوادثی پشت سر هم رخ می‌دهد و اهمیتی ندارد که منطق داشته باشد یا نه، نوعی سانتی مانتالیسم افرای شده در این سریال‌ها در کنار حجم فراوانی از اتفاق‌های عجیب با انتخاب‌های نامناسب بازیگران مشاهده می‌شود.

به گفته وی این جنس از سریال‌ها توسط گروه خاصی در تلویزیون تولید می‌شود؛ گروهی که از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند و می‌توانند هر مضمونی را در سریال‌هایشان بیاورند!

استادی با تأکید بر اینکه چنین سریال‌هایی تصویری تقلبسی از جامعه نشان می‌دهند، خاطرنشان می‌کند: گویی این سریال در مکزیک اتفاق افتاده است، هیچ‌کدام از مسائلی که مردم با آن درگیر هستند در این سریال‌ها دیده نمی‌شود. کارگردان دنیسای دیگری را خلق می‌کند، مناسبات و آدم‌های دیگری در سریال مشاهده می‌شود که تناسبی با جامعه ما ندارند. مثلاً در سریال بوی باران، مناسباتی که در کارخانه وجود دارد واقعی نیست و نویسندگان برای عدم نمایش مسائل اصلی جامعه، به سراغ تعدد حوادث بی‌ارتباط با جامعه فعلی رفته‌اند.

وی معتقد است: در سریال بوی باران به جای اینکه روی موضوع خاصی تمرکز شود، صحنه‌هایی را می‌بینید که کاملاً مشخص است از سریال‌های خارجی گره‌برداری شده‌است. گویی این امتیاز را یک گروه خاصی در تلویزیون دارند که هر محتوایی را بخواهند، ارائه کنند. از همین تیم قبلاً سریال از «یادرفته‌ها» را نیز دیدیم که دچار همین مضلات بود.

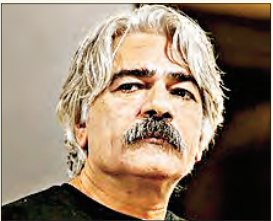
وی با بیان اینکه گروه‌های تولید سریال ظرفیت تولید آثار طولانی را دارند اما مشکل اینجاست که قصه پردازها چنین ظرفیتی را ندارند چون گروه نگارش این سریال‌ها در انحصار افراد خاصی است. یادآور می‌شود: در شرایطی که مردم درگیر مسائل و مشکلات دیگری هستند نمایش سریالی همچون «بوی باران» که نگاهی تقلبی به مسائل جامعه دارد، مخاطبش از آزار می‌دهد اما چون مخاطب گزینه دیگری ندارد، مجبور به تحمل و تماشاى سریال‌هایی از این دست است.

فارس: کیهان کلهر، موسیقیدان و نوازنده شاخص کشورمان برنده جایزه بهترین هنرمند سال ۲۰۱۹ از سوی همایش موسیقی ملل وومکس شد.

همایش موسیقی ملل وومکس با اعلام این خبر، درباره انتخاب کیهان کلهر، ناووری و چیره‌دستی در نوازندگی و معرفی پیام موسیقی سنتی ایران به جهان را ذکر کرده‌اند.

کلهر هم درباره این جایزه گفته است: دریافت جایزه هنرمند وومکس برای من خیلی مهم است. این جایزه به رسمیت شناختن فرهنگ غنی موطن من ایران و هنر بی‌پایان ایرانی است که در جهان از محبوبیت برخوردار است. در حالی که نیروهایی در جهان تفرقه‌افکنی و مرزبندی می‌کنند، موسیقی ما را گرد هم می‌آورد و انسانیت را یادآور می‌شود. من به عنوان یک شهروند در این جهان، مفتخرم در کنار هنرمندانی هستم که با موسیقی به دنبال وحدت هستند.

نوزدهمین جایزه اکسپوی جهانی «وومکس» روز ۲۷ اکتبر (پنجم آبان) به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد وومکس در تامپره فنلاند به کیهان کلهر اعطا می‌شود.



شدن داشته باشیم. نسل جدیدی که دارند وارد ادبیات می‌شوند، نسل بی‌مایه‌ای است که چیزی برای عرضه در سطح جهان ندارد و به همان نسبت می‌رود و دیگر مسخره است که فکر کنیم مثلاً از ایران به همین گونه است و در این صنعت هر کشوری در نوع خود بی‌نیاز از نمونه‌های خارجی است. ادبیات اصل است که برای کشورهای دیگر جذاب است، نه ادبیاتی که امروز در فضای مجازی رایج است.